

تحولات انقلابی در خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۹

دوفصلنامه مطالعات

بیداری اسلامی

تحولات انقلابی در خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد ابوالفتحی و همکار

محمد ابوالفتحی^{۱*}

مختار نوری^{۲*}

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

تحولات انقلابی اخیر در منطقه خاورمیانه، چالش‌ها و تأثیرات عمیقی بر محیط امنیتی منطقه در پی داشته است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه از تحولات مزبور متأثر خواهد بود. از این رو مسئله اصلی مقاله حاضر در این پرسش تجلی یافته است که تحولات انقلابی اخیر خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی خواهد گذاشت؟ در مقام پاسخ به سؤال مذکور از این فرضیه استفاده شده است که با توجه به صورتبندی نیروهای اجتماعی و حضور نیروهای متعارض اسلام‌گرا و سکولار در بطن تحولات انقلابی خاورمیانه، به نظر می‌رسد که گسترش گفتمان اسلام‌گرایی و تسلط این گفتمان بر ساختار قدرت در نظم سیاسی پسا انقلابی منجر به تقویت بُعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. در واقع هدف اصلی مقاله حاضر، تجزیه و تحلیل امنیت ملی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات اخیر خاورمیانه و خصوصاً شناخت حوزه‌ها و موضوعاتی است که موجبات تقویت امنیت سیاسی جمهوری اسلامی را فراهم می‌سازند. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و می‌کوشد با استفاده از روش تبیین علتی برای فهم تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته استفاده کند. همچنین تمهیدات نظری مقاله حاضر نیز بر گرفته از تفاسیر گسترده امنیت در مکتب کپنهاگ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خاورمیانه، انقلاب‌های عربی، انقلاب اسلامی، اسلام‌گرایی، امنیت ملی جمهوری اسلامی.

تحولات ساختاری جهان عرب در منطقه خاورمیانه بی‌گمان بررسی‌های گسترده‌ای را می‌طلبد. تاریخ این منطقه نشان می‌دهد که حضور مردم در خیابان‌ها بیشتر برای ابراز خشم و نفرت نسبت به بیگانگان و استعمارگران خارجی بوده است، ولی این بار چنین نیست و شرایط موجود دیگر گونه چشم‌اندازی را طلب می‌کند. (الشعب یرید اسقاط النظام) (مردم سقوط نظام را می‌خواهند ارحل (برو) اعتصام) اعتصاب، اعتصاب، مهم‌ترین شعارهای انقلابی بودند که در بهار عربی فریاد کشیده می‌شدند. شهروندان با این شعارهای انقلابی خود به میدان آمده تا نقشی حساس ایفا کنند، این بار نه برای اعلام مقاومت و پایداری در برابر نیروهای متجاوز خارجی، بلکه برای مقاومت و مقابله در برابر ظلم و ستم حکام داخلی که در طی چندین دهه گذشته آن‌ها را از حقوق مدنی محروم ساخته بودند. حرکت دومینو وار انقلاب‌های اخیر خاورمیانه ذهن بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و تئوری‌پردازان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای را به خود مشغول داشته و هر یک از آنان در این روزها از دیدگاهی خاص به تبیین چرایی، چگونگی و تأثیرات این تحولات بر محیط پیرامون خود پرداخته‌اند. اعتراضات و تحولات انقلابی با سویی‌های افق‌گرایانه در برخی از کشورها هم چون سوریه و بحرین هم چنان ادامه دارد و احتمال می‌رود به برخی از کشورهای دیگر منطقه نیز رسوخ نماید. بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هر یک به صورتی از این تحولات متأثر شده و تلاش می‌کنند با اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی بر روند تحولات تأثیر بگذارند و مسیر انقلاب‌های را به سمت و سوهایی هدایت کنند که آسیب کمتری ببینند و در عین حال دستاورد بیشتری نیز داشته باشند. تحولات مذکور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران حادث شده است، از این رو ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه نمی‌تواند نسبت به تحولات موجود بی‌تفاوت باشد. البته مواضع ایران در قبال تحولات دنیای عرب بنا به ملاحظات ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی، شکل متمایزی داشته است. با توجه به مقدمات فوق باید گفت که هدف اصلی مقاله حاضر این است تا از منظر تفاسیر گسترده امنیت در مکتب کپنهاگ، امنیت سیاسی جمهوری اسلامی را در پرتو تحولات انقلابی خاورمیانه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بر این اساس پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل مسئله اصلی خود در پنج قسمت ساماندهی خواهد شد؛ بدین صورت که در قسمت اول به روش‌شناسی پژوهش پرداخته می‌شود، در قسمت دوم به چارچوب نظری

بحث در قالب مباحث امنیتی و گسترده سازی مفهوم امنیت در مکتب کپنهاگ می‌پردازیم، سپس در قسمت سوم به متغیر وابسته پژوهش یعنی امنیت ملی جمهوری اسلامی و ابعاد آن پرداخته می‌شود. در قسمت چهارم نیز به تحولات انقلابی اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان متغیر مستقل اشاره می‌شود و سرانجام در قسمت پنجم به تجزیه و تحلیل مسئله اصلی مقاله یعنی تأثیر تحولات انقلابی اخیر خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و خصوصاً بُعد سیاسی آن می‌پردازیم و در نهایت گزاره‌های استنتاجی از مباحث مطرح شده در نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱- تمهیدات نظری: گسترده سازی امنیت

از آغاز زندگی بشر تاکنون مسئله امنیت همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف مد نظر جوامع و نظام‌های سیاسی بوده است. تاریخچه‌ی پیدایش مفهوم امنیت را تا سده هفدهم و آغاز شیوه جدید مملکت‌داری در قالب دولت - ملت‌های مستقل عقب می‌برند، ولی آغاز مطالعه علمی این مفهوم را باید در سال‌های پس از جنگ اول و دوم جهانی جستجو نمود. (ولی پور زرومی، ۱۹: ۱۳۸۳) از نظر والتر لیمپن، امنیت در معنای عام کلمه همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود، چرا که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در دفع حمله نظامی است. (عامری، ۱۳۷۷: ۲۸۵) برژینسکی سیاستمدار و نظریه‌پرداز آمریکایی نیز امنیت ملی را وجود شرایط مبتنی بر حفظ و برقراری اقداماتی می‌داند که کشور را از اعمال نفوذ دشمن مصون نگه می‌دارد (ربیع، ۱۳۸۳: ۱۱) با عنایت به تعاریف مذکور باید گفت که فضای حاکم بر روابط بین‌الملل در مورد امنیت، بیشتر از هر چیز از نظریه علیت محور و پوزیتیویستی رئالیسم در خصوص عوامل ناامن‌ساز و امنیت ساز بهره برده است. از این رو در مدت زمان طولانی سلطه‌ی واقع‌گرایی بر مطالعات روابط بین‌الملل، تعریف و کاربرد امنیت به شدن محدود و مضیق بود که ماهیتاً آن را با قدرت نظامی می‌دیدند. (شبهان، ۱۳۸۸: ۱۷-۳۹) اما در طول دهه ۱۹۸۰، رهیافت سنتی به امنیت یعنی رئالیسم، آماج نقد و انتقاد قرار گرفت و جالب اینکه مطالعات جدید امنیتی در سال ۱۹۸۳ یعنی در اوج جنگ سرد صورت گرفت. در همان سالی که ناتو و پیمان ورشو در حال ارسال نسل جدید سلاح‌های هسته‌ای به اروپا بودند و رونالد ریگان طرح دفاع استراتژیک را اعلام کرد دو نقد در مورد تفکر سنتی امنیت منتشر گردید. نقد اول در مقاله ریچارد اولمان به نام «باز تعریف امنیت» تجلی یافت که در فصلنامه امنیت بین‌الملل به عنوان پرچم‌دار رهیافت واقع‌گرایی چاپ شد و دومین نقد نیز

در قالب کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» باری بوزان ارائه شد. (همان ۶۳-۶۴) با مجموعه‌ای از آثار منتشرشده بعد از جنگ سرد، باری بوزان و همفکران او به مرکز کپنهاگ پیوستند و یک رهیافت ابداعی و نوین از امنیت را با انتقاد از واقع‌گرایی بسط و گسترش دادند. اعضای مکتب کپنهاگ همگی از مدافعان مفهوم امنیتی گسترش‌یابنده هستند. (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۲۸) اما باید گفت که منسجم‌ترین اقدام نظری در زمینه گسترش ابعاد امنیت در مکتب کپنهاگ از سوی باری بوزان صورت گرفت. بوزان در چارچوب مکتب کپنهاگ، با انتقاد از متفکرانی که امنیت را تک بعدی و صرفاً در بعد نظامی می‌دیدند، امنیت گسترده، فراگیر و چندبعدی را معرفی نمود. وی مفهوم امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داده و معتقد است تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها می‌توانند در ابعاد پنج‌گانه ی فوق رخ دهند. در ذیل به بررسی و تعریف ابعاد پنج‌گانه امنیت در مکتب کپنهاگ و خصوصاً نظریات باری بوزان می‌پردازیم.

الف: امنیت نظامی

از نظر بوزان و همکارانش، دستور کار امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدات نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند. امنیت نظامی عمدتاً حول تعامل دو سطح دور می‌زند: تعامل میان توانایی‌های آفندی و پدافندی مسلحانه‌ی دولت‌ها از یکسو و برداشتی که آن‌ها از نیت و توانایی و توانایی‌های یکدیگر دارند از سوی دیگر. (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۸) البته به عقیده بوزان، تا زمانی که سیاست بین‌الملل با ساختار آنارشی همراه است، تهدیدات نظامی دارای اهمیت هستند، اما در عمل و به خصوص برای کشورهای بسیار توسعه‌یافته، میزان اهمیت آن‌ها در مقابله با سایر تهدیدات در حال کاهش است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۸)

ب: امنیت سیاسی

گوهر بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل می‌دهد. آماج تهدیدهای سیاسی، اندیشه دولت و به ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان بخش آن و نهادهایی است که تجلی آن می‌باشند. (همان ۱۴۳) بدین ترتیب تهدیدات سیاسی متوجه: ۱- مشروعیت داخلی واحد سیاسی ۲- مشروعیت خارجی آن ۳- و مشروعیت ایدئولوژیک خواهند شد. (بوزان و همکاران، پیشین ۱۲۲) بنابراین می‌توان گفت که امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی

است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند. (درویشی، ۱۳۷۶: ۴۸)

ب: امنیت اقتصادی

از نظر بوزان و سایر اعضای مکتب کپنهاگ، تهدیدات وجودی در بخش اقتصادی در ماهیت و ذات اقتصاد بازار نهفته است. رقابت شدید خارجی، محدودیت صادرات محصولات داخلی، واردات، دخالت در قیمت‌ها، ارز و نرخ بهره در مجموعه‌ی تهدیدات بخش اقتصادی قرار دارند. (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۷۹) به هر حال، امنیت اقتصادی پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه، پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است. (ربیعی، پیشین ۱۳۶)

ت: امنیت اجتماعی

مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار از سوی بوزان و همکاران او در کتاب «هویت، مهاجرت و دستور کار جدید امنیت در اروپا» مطرح گردید. امنیت اجتماعی با امنیت سیاسی که ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکمرانی و ایدئولوژی‌های مشروعیت بخش به حکومت‌هاست، ارتباط تنگاتنگی دارد. اما متمایز از آن است. باید گفت مفهوم سازمان دهنده‌ی امنیت اجتماعی هویت است. (بوزان و همکاران، پیشین ۱۸۳) به هر حال، امنیت اجتماعی به پایداری و دوام الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات محلی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است. (همان: ۱۸۵)

ث: امنیت زیست محیطی

تلاش‌هایی که برای امنیتی کردن ارزش‌های زیست محیطی صورت گرفته در مقایسه با چهار بعد دیگر سابقه کوتاه و تازه‌ای دارد. امنیت زیست محیطی به حفظ و نگهداری زیست بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حیاتی مربوط است که همه امور بشری به آن بستگی دارد. امنیت زیست محیطی موضوعاتی مانند بقای گونه‌های خاص یا انواع زیست‌گاه‌ها تا موضوعات گسترده‌ای مانند زلزله، خشک‌سالی و مواردی گسترده‌تر هم چون لایه اوزن و گازهای گلخانه‌ای را شامل می‌شود (هرسیچ و فتاحی، پیشین ۱۸۲۰) از مجموع مباحث ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که امنیت از مفهومی مضیق و محدود به امور نظامی و سخت‌افزاری به سوی مفهومی با ابعاد گسترده حرکت نموده است و تعاریف موسع از امنیت سبب شده تا هر موضوعی در معرض امنیتی شدن قرار گیرد. بر این مبنا امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز در قالب تعاریف گسترده امنیت قابل بررسی

است و هر گونه تغییر و تحول در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در ابعاد پنج‌گانه مذکور امنیت ملی ایران را دچار چالش‌های فرصت‌هایی نماید.

۲- امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، ملاحظات امنیتی تغییرات جدی پیدا نمودند. در نظام جدید، تعاریف متفاوتی از انسان، حکومت و نظام بین‌الملل ارائه شد که به کلی با گذشته متفاوت بود. بر این اساس مبانی امنیتی کشور دچار تغییر و دگرذیسی فراوان گردید. در مقام تعریف می‌توان گفت که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از استقرار نظم و ثبات که مستلزم فقدان ترس و تهدید نسبت به حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام و ارزش‌های وابسته به آن، حفظ حقوق شهروندی و حفظ روابط منطقی با جهان به منظور تأمین و تضمین توسعه پایدار ایران می‌باشد. (هرمزی، ۱۳۸۵: ۱۸) بر اساس تعاریف موسع از امنیت که در چارچوب نظری بحث مطرح شد، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که در ذیل به بررسی هر یک از این ابعاد می‌پردازیم.

الف: امنیت نظامی

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آن‌ها تعریف کرد. این ارزش‌ها شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی-مذهبی، رفاه و معیشت مردم می‌شود و تهدیدات نظامی علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشد. هم‌چنین بهترین سازوکار برای تأمین امنیت نظامی، داشتن قدرت و نیروی نظامی کافی و کارآمد برای جلوگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم نظامی تلقی می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۸)

ب: امنیت اقتصادی

بر اساس ماهیت و کارکرد مستقل و ابزاری قدرت اقتصادی و تهدیدات کارگزاری و ساختاری، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به صورت زیر می‌توان تعریف کرد: «امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به معنای توانایی تأمین نیازهای جامعه و مردم، رفاه و معیشت اقتصادی، توسعه صنعتی، فناوری اقتصادی و تجاری از طریق حفظ اصول سازمان دهنده و ساختار نظام اقتصاد ملی و دسترسی آزاد به منابع، سرمایه

و بازار جهانی و عدم آسیب‌پذیری از تهدیدات ساختاری و کارگزاری اقتصادی می‌باشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۴۹۰) امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی با هر دو دسته از تهدیدات کارگزاری و ساختاری مواجه است. از یک طرف تقریباً از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است. تحریم و مجازات اقتصادی ایران در چارچوب طرح موسوم به داماتو نمونه گویای این اقدامات می‌باشد. (رجوع شود به: فرهنگ، ۱۳۷۶) از طرف دیگر ساختار و نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مبنی بر لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد نیز چالش‌های امنیتی را برای ایران ایجاد کرده است. به گونه‌ای که ایران در وضعیت تناقض‌ناپی قرار می‌گیرد، چرا که در صورت ادغام در اقتصاد جهانی، کشور با خطر وابستگی اقتصادی مواجه می‌شود و عدم همگرایی با آن نیز به مثابه محدودیت و محرومیت از منابع، سرمایه و بازار جهانی است (پوراحمدی، ۱۳۸۲) بنابراین برآیند محدودیت‌های اقتصادی ساختاری و کارگزاری، اقتصاد ملی ایران را با چالش و تهدیدات امنیتی در موزه‌های مختلف مواجه می‌سازد.

ب: امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: توانایی مردم و ملت ایران در حفظ و تداوم ماهیت و هویت ملی خود تحت شرایط متغیر و متحول و وجود تهدیدات احتمالی و واقعی. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۹۵) به صورت دقیق‌تر می‌توان گفت که امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: تداوم و مانایی الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول و حفظ بقاء هویت مذهبی و ملی ملت ایران، تحت شرایط مقبول برای تحول و تکامل اجتماعی. (همان ۹۶)

ت: امنیت زیست‌محیطی

یکی دیگر از ابعاد امنیت ملی ایران، امنیت زیست‌محیطی است، اما همانند دیگر کشورهای جهان سوم این بعد از امنیت چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به هر حال، امنیت زیست‌محیطی جمهوری اسلامی را به صورت زیر می‌توان تعریف کرد: ایمنی، تداوم، پایداری و بقاء محیط زیست داخلی و خارجی دولت و زیستگاه طبیعی مردم و تمدن ایرانی در برابر تهدیدات طبیعی و انسانی. (همان ۱۰۹)

ث: امنیت سیاسی

بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از ثبات سازمانی و ساختاری

کشور، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت بخش به دولت و نظام حکومتی آن. از این رو امنیت سیاسی دارای وجوه و سطوح مختلفی است. بعضی از وجوه و جوانب آن در سطح ملی ناظر به رابطه‌ی میان دولت و ملت است. بنابراین هر عاملی که در اثر سلب رضایت مردم از حکومت، موجب شکاف بین دولت و ملت شود، تهدید امنیتی به شمار می‌رود. هم چنین وجود تهدیدات علیه ساختارها و نهادهای سیاسی نیز بیانگر فقدان امنیت سیاسی است. وجوه دیگری از امنیت سیاسی در سطح بین‌المللی معطوف و مربوط به روابط و تعاملات بین‌المللی است. به طور کلی در سطح بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و جهانی، سه متغیر نظام سیاسی رایج، ایدئولوژی سیاسی غالب و نظم سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل می‌تواند امنیت سیاسی ایران را تهدید کند. از آنجا که نظام سیاسی شایع در جهان حکومت غیردینی لیبرال دموکراسی است و ایدئولوژی مشروعیت بخش به این نظام نیز ماهیتی سکولار دارد و نظم سیاسی بین‌المللی نیز نظم سیاسی اسلامی مطلوب جمهوری اسلامی نیست، لذا در چارچوب رقابت، تقابل و تعارض بین آنها ممکن است ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی تضعیف و تخریب گردد. به عبارت دیگر، اشاعه و استقرار نظام‌های حکومتی غیردینی به ویژه لیبرال دموکراسی می‌تواند امنیت سیاسی ایران را تهدید کند، زیرا بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی با الگوی نهادی لیبرال دموکراسی تفاوت شکلی و ماهوی دارند. نهادهایی چون ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان در چارچوب لیبرال دموکراسی قابل تعریف نمی‌باشند، زیرا نهادهای مذکور از ایدئولوژی اسلامی سرچشمه می‌گیرند که قائل به حاکمیت الهی، حکومت دینی و تعامل دین و دولت است، در حالی که لیبرال دموکراسی سکولار به جدایی دین و دولت معتقد است. (همان ۹۰-۹۱) هم چنین ایدئولوژی سیاسی غیردینی لیبرالیسم و سکولاریسم نیز ممکن است منبع و منشأ تهدیدات امنیتی باشد، چرا که ایدئولوژی مشروعیت بخش به نظام جمهوری اسلامی، اسلام‌گرایی یا اسلام سیاسی می‌باشد که اصول، مبانی و مفاهیم سیاسی و حکومتی آن در زمینه رفتار و نظام سیاسی - اجتماعی از نظام فکری و سیاسی لیبرالیسم و سکولاریسم متفاوت و متمایز است. فراتر از این، از آنجا که توسعه و گسترش دموکراسی، لیبرالیسم و سکولاریسم یکی از ساز و کارهای مراکز قدرت در نظام بین‌الملل می‌باشد، نوعی جنگ ایدئولوژیک نیز در جریان است. در این نبرد، هدف تضعیف و تخریب ایدئولوژی اسلامی از طریق ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه حیات سیاسی - اجتماعی و نظام برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی است، تا با شکست و ناکامی اسلام سیاسی زمینه برای جایگزینی آن با ایدئولوژی لیبرالیسم فراهم شود. در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی، مشروعیت زدایی از ایدئولوژی اسلام و ناکارآمد ساختن جمهوری اسلامی نهایتاً ممکن است تهدیدات

وجودی را علیه ایران ایجاد نماید و امنیت سیاسی جمهوری اسلامی را تهدید نماید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۴۸۹)

به هر حال همان طور که بررسی شد، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس تفاسیر گسترده امنیت دارای ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌باشد. لذا از آنجا که دغدغه اصلی نویسندگان در این پژوهش بررسی تأثیر تحولات انقلابی اخیر خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی و خصوصاً بعد سیاسی آن می‌باشد، این بُعد از امنیت ملی جمهوری اسلامی مورد تشریح بیشتری قرار گرفت. با توجه به تحولات حاکم بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و صورت‌بندی نیروها و گفتمان‌های متعارض سکولار و اسلام‌گرا در این تحولات و تلاش آن‌ها برای تسلط بر ساختارهای قدرت، به نظر می‌رسد که بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی مهم‌ترین بعدی است که در حال حاضر می‌تواند متضمن چالش‌هایی فرصت‌هایی شود. در ادامه به بررسی هر چه بیشتر تحولات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌پردازیم.

۳- تحولات انقلابی خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تحولات انقلابی در جهان عرب نشان داد که گفتمان‌های حاکم در این جوامع قادر به ارائه پاسخ‌های منطقی و متقاعدکننده به مسائل جامعه و پرسش‌های دیگر گفتمان‌ها نیستند و زمان تحول در گفتمان‌ها و چارچوب‌های مفهومی فرارسیده است. اگر چه هنوز نمی‌توان افق‌های بلندمدت تحولات سیاسی این کشورها را به طور قطعی در تأسیس نوع خاصی از دولت پیش‌بینی نمود، ولی به نظر می‌رسد در دوره‌ی جدید انقلاب‌های عربی، رقابت و جدال‌های عقیدتی بیشتر میان حامیان دو مکتب فکری - سیاسی اسلام‌گرایی و سکولاریسم خواهد بود. بر این مبنا در ذیل پس از بررسی مختصر جریان اسلام‌گرا، به برخی از اثرات و مزایای گسترش گفتمان اسلام‌گرایی بر بعد سیاسی امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱-۳- مزایای گسترش آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در سده اخیر، جنبش‌های اسلامی حرکت‌هایی مردمی و سازمان‌یافته بوده‌اند که خواهان جایگزینی و تغییر وضع موجود بر اساس دستورات شرع اسلام هستند. بنابراین همه‌ی جنبش‌های اسلامی بر بازگشت به ارزش‌های دینی و احیای اسلام اصیل به عنوان تنها راه برون‌رفت از بحران‌های جهان اسلام تأکید و توجه دارند. (جوان پو و بنی‌هاشمی، ۱۳۹۰: ۹۰) آنچه امروز از آن به عنوان گفتمان اسلامی یاد می‌شود، معطوف به اسلام سیاسی است و

گرایش‌های گوناگونی در درون خود دارد که گاهی باهم به مرحله تضاد نیز می‌رسند. اسلام محافظه‌کار سنتی (نمونه عربستان)، اسلام سیاسی مدنی (نمونه ترکیه)، اسلام سیاسی امت‌گرا (نمونه ایران) و اسلام سیاسی بنیادگرا (نمونه القاعده) چهار گرایش مهم اسلام‌گرایی هستند که هر کدام گفتمان، نظام معنایی و حاملان خاص خود را دارند. (Esposito: see ۲۰۰۱, and voll) اگر چه هم در درون جوامع اسلامی و هم در جهان اسلام، جنبش‌های اسلامی دارای ایدئولوژی، سازمان‌دهی و اهداف واحد نیستند، ولی با تمام تفاوت‌ها و اختلافات فکری و مذهبی، اسلام‌گرایان در عرصه سیاسی جوامع خود نیروهای اجتماعی تأثیرگذاری بوده و در انقلاب‌های اخیر نیز نقش مهمی در به ثمر رسیدن انقلاب‌ها در تونس، مصر و لیبی داشته و در کشورهایی همچون بحرین و یمن نیز کنش‌گرانی تعیین‌کننده بوده‌اند. چنانکه برخی صاحب‌نظران هم چون اسپوزیتو معتقدند که اسلام نیرومندترین بنیان قدرت اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا است و حکومت‌ها در برابر آن به خود می‌لرزند و اعراب در همه جا برای نجات از فلاکت و بدبختی‌های مختلف خود به آن متوسل می‌شوند. این قدرت نه ساخته‌ی دولت‌های عرب بلکه قدرت مساجد ساده و بی‌آلایش است. (۷ - ۱: Esposito, ۱۹۹۴) اما در فضای سیاسی جدید منطقه، مسئله این است که نیروی‌های اسلامی به عنوان یکی از بازیگران مهم در جوامع انقلابی، در پروسه تأسیس نظم نوین و تکوین بنیان‌های فکری و اجتماعی دولت جدید چه نقشی ایفا کرده‌اند. در ارزیابی نقش آفرینی اسلام‌گرایان برای مشارکت در قدرت و تغییر ساخت دولت بایستی اشاره نمود که تلاش برای مشارکت سیاسی و ورود به عرصه‌ی سیاسی با راهبرد گفتگو، میانجی‌گری و نیز ائتلاف‌های حزبی با مخالفان و ورود به سیستم اجرایی دولت، به تدریجی زمینه‌های را فراهم آورده تا به رغم فعالیت گسترده نیروهای سکولار در فضای سیاسی نوین، از گروه‌های اسلامی با عنوان جریان‌های سیاسی مقاوم و فعال برای تشکیل نظامی دموکراتیک یاد کنند. از این حیث، اسلام‌گرایان در کشورهای انقلابی، برای ورود به فرایند دولت‌سازی، تجارب ارزشمندی را کسب نموده‌اند. (جوان پور و بنی‌هاشمی، پیشین - ۹۲-۹۴) انتخابات در کشورهای انقلابی دنیای عرب خود گواهی مناسب برای ارزیابی نقش و جایگاه اسلام‌گرایی در منطقه است. در انتخابات پارلمانی کشورهای تونس و مراکش، احزاب اسلام‌گرای میانه رو، اکثریت را به طور قاطع کسب نمودند. در تونس حزب اسلامی النهضه با کسب ۴۱ درصد آرا و اکثریت پارلمان موفقیت بزرگی را به دست آورد. همچنین گروه‌های اسلامی در لیبی، سوریه، بحرین و یمن نقش موثرتری در تحولات این کشورها ایفا نمودند. در نهایت پیروزی محمد مرسی و اسلام‌گرایان در مصر به خوبی

نشانگر جایگاه گروه‌های اسلام‌گرا در تحولات انقلابی اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا است. (یزدان فام، پیشین ۷۰) به هر حال در مجموع می‌توان بیان کرد که نفی حکومت‌های سکولار و فاسد کنونی، اجرای احکام شرعی در جامعه، احیای هویت دینی، ایجاد حکومت‌های مبتنی بر رأی و مشارکت مردم، حل و فصل معضلات و مشکلات عقب‌ماندگی جامعه، تقویت مردم سالاری دینی، نفی رابطه با اسرائیل، حمایت از حقوق مردم فلسطین، برقراری روابط مسالمت‌آمیز با جامعه بین‌المللی از موضع کشوری مستقل، افول هژمونی آمریکایی - اسرائیلی در منطقه و بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران (به ویژه در مصر)، از جمله گزاره‌های اصلی گفتمان اسلام سیاسی در جهان عرب هستند (همان ۶۶) در ذیل با تکیه و تأکید بر گفتمان اسلام‌گرایی به برخی از حوزه‌ها و موضوعات می‌پردازیم که موجبات تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند.

۱-۱-۳ احیای هویت دینی

در پی برآمدن تمدن‌های دیگر و زوال علم و تمدن در جهان اسلام، اندیشه در ریشه‌ها و شیوه‌های این انحطاط دغدغه متفکران شد. عده‌های دلیل زوال را در شهری‌گری و تجمل و سستی عده‌های دیگر در درک نکردن زبان و قواعد تمدن جدید و دست‌های دیگر، دسیسه‌های غیرمسلمانان و فترت مسلمین را راز عقب‌ماندگی معرفی نمودند. (نصری، ۱۳۸۹: ۲۸) برای برون‌رفت از انحطاط نیز اندیشمندان مسلمان از سید جلال‌الدین اسدآبادی تا امام خمینی (ره) راه‌های گوناگونی پیشنهاد کردند. روی آوردن به تمدن ایران پیش از اسلام، تمسک به مفاهیم شریعت، همگامی با غرب و بالأخره تلفیق دموکراتیک این سه روال، از جمله راه‌های کلان‌تی بودند که برای رهایی از انحطاط پیشنهاد شدند. تجلی سیاسی این افکار را می‌توان به ترتیب در تشکیل نظام‌های ناسیونالیستی، اسلام‌گرا و غرب‌گرا جستجو نمود. (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۴۵) مطابق نظریه احیای هویت دینی، زوال و انحطاط جاری، معلول دوری جستن از تعالیم و شریعت نورانی اسلام است. از این منظر دیری است حکام کشورهای مسلمان با انحراف از شریعت اسلام، سکولاریسم اختیار کرده‌اند و حق الناس را قربانی مصالح شخصی و ملاحظات خانوادگی و خویشاوندی ساخته‌اند. اما وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) نخستین ثمره مقاومت موفق در قبال الگوهای غربی و غیر الهی بود که با تشکیل نظام جمهوری اسلامی تحقق عملی یافت. مهم‌ترین نقطه قوت این دیدگاه حضور اسلام به مثابه وجدان سیاسی مسلمانان در کشورهای دست‌خوش تحول است. همه کشورهایی که در سال

۲۰۱۱ دست‌خوش تحولات انقلابی شدند مسلمان هستند و دین رسمی آن‌ها اسلام است. به عبارتی بهتر در اکثر کشورهای بحرانی منطقه، قاطبه مردم مسلمان هستند و مهم‌ترین اختلاف در تعیین و اختیار نوع اسلام است. پیروزی‌های اولیه اسلام‌گرایان در برخی از کشورها نشان از آن دارد که مایه و گوهر اصلی خیزش، احیای هویت اسلامی و ابراز آشکار و افتخارآمیز دین‌مداری است. البته قابل ذکر است که اسلام‌گرایان نامیدن کل پروژه تغییر در جهان عرب، مجال بحث بیشتری را می‌طلبد، اما آنچه هویدا است این است که مسلمانان هواخواه تغییر در کشورهای عربی اولاً نمی‌توانند مطالباتی غیر اسلامی و ضد اسلامی داشته باشند، ثانیاً هواخواهان تغییر در پی احیای دیکتاتوری‌های سکولار نیز نیستند، چرا که آن‌ها ابتداً علیه آن ساختارها بسیج شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد عمده‌ی مطالبات مردم حول محور احیای کرامت و هویت اسلامی از رهگذر حکم رانی کارآمدی است که ضمن نگرهبانی از هویت اسلامی مردم، در استفاده از ارزش‌های مدرنی چون دموکراسی پیشتاز باشد (نصری، پیشین ۲۸-۲۹) با عنایت به بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌توان گفت که بدون شک حضور ساختارهای دموکراتیک و مبتنی بر شریعت اسلامی، می‌تواند بر ضریب امنیت سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه بیفزاید و زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی و دول انتخابی در کشورهای عربی فراهم آورد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد دستیابی به اهدافی همچون وحدت میان کشورهای اسلامی که از ابتدای انقلاب اسلامی ایران همواره یکی از اهداف مورد تأکید جمهوری اسلامی بوده است، تنها در صورت تحقق نظام‌های مردم‌سالار دینی در این کشورها امکان‌پذیر است.

۲-۱-۳ فروپاشی دولت‌های سکولار در منطقه

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دول عربی در منطقه خاورمیانه، سکولار بودن آن‌هاست. دولت‌های سکولار مخالفان خود به ویژه گروه‌های مذهبی را به شدت سرکوب می‌کردند. اخوان‌المسلمین نمونه‌ای بارز از سرکوب مذهبی را در این منطقه است. گذشته از این‌ها، سکولاریسم در سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی و همچنین قوانین این کشورها کاملاً مشهود بوده است. فرآیند مدرنیزاسیون در جهان عرب همانند جهان صنعتی و توسعه‌یافته می‌بایست به شکل‌گیری دولت مدرن و توسعه سیاسی می‌انجامید، اما بر عکس، آنچه در انقلاب‌های اخیر عربی بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، شکست الگوها و نظام‌های سکولار وابسته به غرب بود و این دقیقاً چراغ سبزی برای اسلام

گرایان است که با اتخاذ خط مشی متعادل حداکثر استفاده را ببرند. (نصری، پیشین ۳۶) از این رو فروپاشی دولت‌های سکولار در منطقه یکی دیگر از موضوعاتی است که موجبات تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد. همان طور که می‌دانیم انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا، معنویت و ارزش‌ها نه تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشت، بلکه محرک و هدف خود را در دین جستجو می‌کرد و این سخن رهبر انقلاب که می‌فرماید: «والله اسلام تمامش سیاست است (امام خمینی ره ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۷۰) به خوبی بیانگر ارتباط و وحدت دین و سیاست در گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. بنابراین اضمحلال دیکتاتوری‌های سکولار در منطقه تأثیر چشمگیری در افزایش امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد، چرا که ایران با تشکیل حکومت اسلامی و مردم سالاری دینی به عنوان یک الگوی نوین مملکت‌داری، به مقابله با حکومت‌های سکولار پرداخته است. از این رو جمهوری اسلامی در این شرایط جدید فرصت یافته است تا رهبران سیاسی خاورمیانه جدید را به یافتن الگوهای بومی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تشویق کند و از این طریق یعنی توسعه و ترویج مدل حکومتی خود به تقویت بعد سیاسی امنیت ملی بپردازد.

۳-۱-۳ تأثیرپذیری تحولات منطقه از گفتمان انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران با گفتمان غالب اسلام‌گرایی در سال ۱۹۷۹ و در شرایطی که به نظام دو قطبی معروف شده بود به پیروزی رسید. این انقلاب باعث شد تا قابلیت دین برای حضور در اجتماع و پاسخگویی به سوالات و موضوعات مبتلا به بشر با حیاتی واقعی برای ملت‌های جهان معلوم شود. از این رو بسیاری از تحلیل‌گران در بررسی تحولات اخیر منطقه، تقویت موضع جمهوری اسلامی و ابعاد امنیتی آن را در برابر رقبای خود، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحولات قلمداد می‌کنند. تحولی که در واقع بیش از آنکه متأثر از اقدامات سیاسی جمهوری اسلامی باشد، تحت تأثیر ساختار معنایی منبعث از گفتمان انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های تحول‌خواه دنیای عرب ایجاد کرده است. بررسی شعارهای انقلابیون در کشورهای عربی نشان از وجه غالب اسلامی بودن آن‌ها تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. با دقت در شعارهای انقلابیون این نکته جلب توجه می‌کند که آن‌ها مفهوم آزادی را در چارچوب مفهوم لا اله الا الله و نه در چارچوب لیبرالیسم می‌جویند. سنخ خواسته‌های انقلابیون در شعارهایی مانند آزادی، عدالت‌خواهی، اهمیت دادن به مردم، استقلال، عدم وابستگی، استکبارستیزی، مقابله با دخالت‌های خارجی و نظایر آن، همانند شعارهایی است که در زمان انقلاب اسلامی

ایران سر داده می‌شد. راشد الغنوش دبیر کل حزب النهضه که پس از سقوط دولت بن علی در تونس توانست پس از سال‌ها به کشور خود بازگردد نیز از تأثیرات انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در تونس یاد میکند. او معتقد است در انقلاب ایران یک روحانی معمم را یافتیم که توانست انقلاب مستضعفین را علیه نظام استبدادی دست‌نشانده امپریالیسم رهبری کند. از این رو مهم‌ترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی ایران به ما داده، مقوله‌ی مبارزه میان مستضعفین و مستکبرین است. البته پای بندی جنبش‌های انقلابی و بازگشت به اسلام در مبارزه سیاسی متأثر از وقوع انقلاب اسلامی در ایران تنها امر بدیع و شگفت‌انگیزی محسوب نمی‌شود، بلکه مورد انتظار دیگر بازیگران منطقه نیز هست. در این راستا، لیبرمن وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی نیز درباره شکل‌گیری ایرانی جدید در مصر با توجه به تحولات اخیر این کشور هشدار می‌دهد. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعتقاد خود را چنین بیان می‌کند که: با از سرگیری موج انقلاب در مصر باز هم نگرانی از شکل‌گیری ایرانی دیگر بروز کرده است (عباس اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۷) به هر حال با توجه به تأثیرپذیری مستقیم و غیر مستقیم بسیاری از تحولات منطقه از گفتمان انقلاب اسلامی و با توجه به جایگاه اسلام در روابط بین‌الملل کنونی، جمهوری اسلامی به عنوان کشوری پیش‌گام در دولت‌سازی اسلام محور در مقابل ساختارهای سکولار، فرصت مناسبی برای تقویت ابعاد امنیتی خود و خصوصاً امنیت سیاسی به دست آورده است. از این رو جمهوری اسلامی می‌تواند با ارائه مدل نظام‌سازی خود و تکثیر آن در جوامع انقلابی به شباهت‌ها و اشتراکات مناسبی با این جوامع دست یابد و از این طریق مقدمات تقویت بعد سیاسی امنیت ملی خود را فراهم سازد.

۴-۱-۳ افزایش نفوذ منطقه‌ای و هم‌پیمانان جدید

یکی دیگر از تأثیرات تحولات اخیر منطقه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افزایش نفوذ منطقه‌ای و یافتن هم‌پیمانان جدید برای ایران متجلی شده است. برخی کشورها که امروزه با وقوع تحولات انقلابی دست‌خوش تغییر در نظام سیاسی خود شده‌اند یا خود را در آستانه رسیدن امواج انقلابی می‌یابند، هم‌پیمانان نزدیک غرب و به ویژه آمریکا در منطقه هستند که در سال‌های اخیر شدیدترین مواضع را علیه جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی در پیش گرفته‌اند. لذا به نظر می‌رسد که تحولات منطقه در راستای امنیت و منافع ملی و هم‌چنین دیپلماسی سیاست خارجی ایران است و بازبینی در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا مبین این ادعا می‌باشد. با توجه به گرایش‌های

ملتهای معترض منطقه به ایران و رجعت آنان به ارزش‌های اسلامی که تقریباً همان آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در انقلاب ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ است، پیش‌بینی می‌شود دولت‌های جدید که در اثر انقلاب‌های مردمی تشکیل خواهند شد، به طور طبیعی به برقراری ارتباط مطلوب‌تر با ایران گرایش خواهند داشت. حتی با فرض تحقق نیافتن این پیش‌بینی، ایران دست کم در کوتاه مدت از مزاحمت‌ها و خصومت‌های برخی رقبای بالفعل خود خلاصی خواهد یافت. تا همین جا نیز با سرنگونی حکومت مبارک در مصر و ابراز تمایل دولت‌مردان جدید این کشور به برقراری روابط دیپلماتیک با ایران، آن هم بعد از سی سال قطع روابط رسمی دو کشور، یک رقیب تاریخی برای ایران در حال تبدیل شدن به یک هم‌پیمان منطقه‌ای برای این کشور است. تأثیر کوتاه مدت این تغییرات در گشایش گذرگاه رفح و نقش مصر در لغو محدودیت‌ها و تبادلات با نوار غزه پس مشاهده می‌شود. هم‌چنین رویکرد مصر در لغو محدودیت‌ها و تبادلات با نوار غزه پس از سقوط مبارک، مؤیدی بر تقویت گفتمان مقاومت با اسرائیل است. تقویت گفتمان مقاومت در سراسر کشورهای عربی خاورمیانه به تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران از جمله سوریه و حزب‌الله لبنان و کاهش فشار بر آنان خواهد انجامید. هم‌چنین عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران، اکنون به طور واقعی درگیر حوادث بحرین شده و خود را در محاصره جنبش‌های ضد دیکتاتوری ملت‌های منطقه می‌یابد. از همین رو این کشور که سابقه دیرینی در دشمنی با ایران و خصمانه‌ترین مواضع علیه این کشور را دارد، اخیراً خواستار مذاکره با ایران در خصوص حل بحران بحرین شده است. بنابراین می‌توان گفت که موضوعات فوق به صورت غیرمستقیم به تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی و افزایش تأثیرگذاری ایران در منطقه منجر خواهد شد (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، ۱۳۹۰)

۵-۱-۳ انزوای سیاسی اسرائیل در منطقه

یکی از پیامدهای مداخلات قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه شکل‌گیری رژیم صهیونیستی بوده است. اسرائیل صرفاً تهدید امنیتی اعراب و مسئله فلسطینی‌ها به شمار نمی‌آید، بلکه شکل‌گیری این رژیم با تحقیر هویت عربی و اسلامی ملل منطقه همراه بوده است و به سه جنگ در این منطقه منجر شده است. در ادبیات سیاسی از این بحران با عنوان منازعه اعراب و اسرائیل یاد می‌شود. این موضوع نوعی مسئله جمعی برای اعراب و مسلمانان به حساب می‌آید و به موضوعی مسئله‌ساز تبدیل شده است. نگاه اسرائیل نیز از همان ابتدا به تحولات اخیر منطقه بدبینانه بوده است. اسرائیلی‌ها به این واقعیت واقف‌اند که

افکار عمومی منطقه، غالباً گرایش مثبت به اسرائیل ندارند و تغییرات سیاسی موجود ممکن است شدیداً موقعیت آن‌ها را به چالش بکشد. (قنبرلو، ۲۳۶: ۱۳۹۰) اساساً روند تحولات در منطقه به گونه‌ای است که نگرانی‌های جدی اسرائیل و غرب را در پی داشته است، چرا که قربت‌های ایدئولوژیک میان حاکمان آینده‌ی کشورهای انقلابی و جمهوری اسلامی، منجر به تأثیرگذاری و نفوذ ایران در منطقه خواهد شد. یک مقام صهیونیستی درباره‌ی این نگرانی، با توجه به آنچه در جهان عرب رخ داده است، می‌گوید: تلاش‌های بزرگی برای قوی شدن ایران و متحدانش در جهان عربی صورت می‌گیرد و این به سود اسرائیل نخواهد بود. وی همچنین تقویت نفوذ ایران در منطقه را مهم‌ترین نگرانی اسرائیل معرفی می‌کند (عباسی اشلقی، پیشین ۱۳۶) بنابراین می‌توان گفت که سقوط حکومت‌های همسو با دولت اسرائیل در منطقه، اصلاحات در برخی کشورهای همسو با این کشور، آمریکا ستیزی در افکار عمومی منطقه و واردی از این دست، در کاهش امنیت اسرائیل در منطقه و در مقابل آن افزایش امنیت ملی جمهوری اسلامی موثر بوده است. به طور مشخص تحولات مصر برگ جدیدی از تاریخ این کشور را رقم زده که بدون شک نگرانی جدی اسرائیل را بیش از همه برانگیخت. وقوع انقلابی به سبک انقلاب اسلامی ایران، عمده‌ترین دلیل نگرانی اسرائیل از تحولات مصر می‌باشد، نگرانی که بی‌علت نبوده و تمام کوشش‌های اسرائیل در پی ریزی پیوند استراتژیک بلندمدت با مصر را می‌تواند از بین ببرد. به عبارت دیگر، روی کار آمدن دولتی اسلام‌گرا در مصر با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران می‌تواند قطع رابطه این کشور با اسرائیل و پیگیری مشی مخالف با این کشور را در پی داشته باشد. از این رو شاید بتوان گفت که اسرائیل پس از پیمان کمپ دیوید، هرگز تا این اندازه در فشارهای گوناگون امنیتی و انزوای سیاسی در منطقه قرار نداشته است. بنابراین، انزوای سیاسی رژیم صهیونیستی یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی است که در تقویت هرچه بیشتر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران موثر خواهد بود. رجوع شود به: (صراف یزدی و باقری زاده، ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

هدف اصلی نوشته حاضر، تجزیه و تحلیل امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات اخیر خاورمیانه و خصوصاً شناخت حوزه‌ها و موضوعاتی است که موجبات تقویت امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند. بر این اساس در نوشتار حاضر این پرسش مطرح گردید که تحولات انقلابی اخیر خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ در پاسخ به سؤال مذکور این فرضیه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به صورت‌بندی نیروهای اجتماعی و حضور نیروهای متعارض اسلامگرا و سکولار در بطن تحولات انقلابی خاورمیانه، به نظر می‌رسد که گسترش گفتمان اسلام‌گرایی و تسلط این گفتمان بر ساختار قدرت در نظم سیاسی پسا انقلابی منجر به تقویت بُعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. البته قابل‌ذکر است که تحولات انقلابی اخیر در منطقه خاورمیانه علی‌رغم اثرات مثبتی که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است، به طور همزمان می‌تواند متضمن چالش‌هایی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. بررسی چالش‌های ناشی از تحولات انقلابی خاورمیانه بر امنیت ملی ایران موضوعی است که می‌تواند موجبات ارائه‌ی پژوهشی دیگر را از سوی نویسندگان این مقاله در آینده فراهم سازد. به هر حال، با توجه به فرضیه اصلی پژوهش و با توجه به نقش و جایگاهی که گفتمان اسلام‌گرایی در تحولات اخیر خاورمیانه ایفا کرده است، به نظر می‌رسد که گزاره‌هایی هم چون احیای هویت دینی، فروپاشی دولت‌های سکولار در منطقه و تأثیرپذیری تحولات منطقه از نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی گزاره‌هایی هستند که به صورت مستقیم موجبات تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند و از سوی دیگر موضوعاتی هم چون افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و یافتن هم‌پیمانان جدید در منطقه و همچنین انزوای سیاسی-امنیتی اسرائیل در پرتو تحولات اخیر منطقه‌ای، از دیگر گزاره‌هایی هستند که به صورت غیرمستقیم زمینه‌های تقویت امنیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی را در پرتو تحولات منطقه‌ای فراهم می‌آورند. در مجموع می‌توان گفت که گسترش گفتمان اسلام‌گرایی و سلطه این گفتمان بر قدرت سیاسی در جوامع انقلابی می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مؤثر باشد و یافته‌های پژوهش حاضر تأییدی بر این ادعاست.

منابع

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۷۹)، *تحول مفهوم امنیت*: از امنیت ملی تا امنیت جهانی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۱.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام، تهران*: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان و همکاران، باری (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بخشی، احمد (۱۳۹۰)، *پایان دموکراسی: بررسی بنیان‌های نظری و فکری سیاست و حکومت در دوره قذافی*، مهر نامه، شماره ۱۵.
- پورا احمدی، حسین (۱۳۸۲)، *جمهوری اسلامی و تعامل با نظام اقتصاد جهانی: توسعه و ضرورت اصلاحات اقتصادی و سیاسی، فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره دوم.
- جوانپو، عزیز؛ بنی‌هاشمی، میر قاسم (۱۳۹۰)، *جنبش‌های انقلابی عربی؛ چشم اندازها و چالش‌های الگوی نوین دولت*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم.
- دکمیجان، هرایر (۱۳۷۷) *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- درویش، فرهاد (۱۳۷۶)، *تأملی نظری بر امنیت ملی: تهدیدها و رهیافت‌ها*، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۳)، *طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- (۱۳۸۷) *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت

پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

- ربیعی، علی (۱۳۸۳) *مطالعات امنیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، *معرکه جهان‌بینی‌ها*، تهران: احیاء کتاب
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صراف یزدی، غلامرضا؛ باقری زاده، علی (۱۳۹۰)، *سقوط مبارک و تأثیر آن بر روابط مصر و اسرائیل*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۲۸۵.
- عامری، هوشنگ (۱۳۷۷)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: آگاه.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، *بازتاب‌های معنا‌گرایانه انقلاب اسلامی بر اسلامگرایی در خاور میانه*، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۶)، *قرداد گازی ایران* - توتال، قانون تحریم داماتو - کندی و اقتصاد ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم شماره سه و چهار.
- قنبر لو، عبدالله (۱۳۹۰)، *نقش کنشگران فراملی در جنبش‌های ۲۰۱۱ جهان عرب*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۲.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ کار آزما، جواد (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی